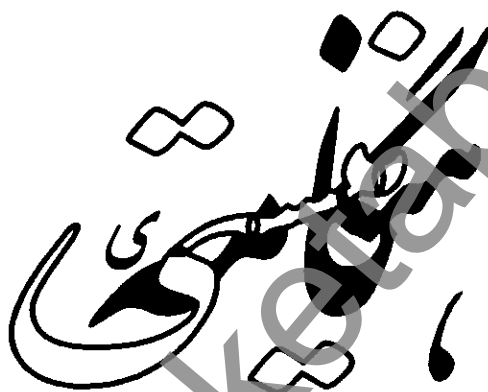




(درآمدی بر مجموعه شعر عندما أموت سرودمی جمال نصاری)

نسرین گبانچی

سرشناسه	: گبانچی، نسرین، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: هنگامه نیستی (در آمدی بر مجموعه شعر عندما اموت سروده‌ی جمال نصاری) / نسرین گبانچی.
مشخصات نشر	: آبادان: نشر هرموتیک، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۵ ص.
شابک	: 978-600-92955-1-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابخانه.
موضوع	: نصاری، جمال، ۱۳۵۷ - . عندما اموت -- نقد و تفسیر
موضوع	: شعر عربی -- ایران -- قرن ۱۴
شناسه افزوده	: نصاری، جمال، ۱۳۵۷ - . عندما اموت. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱۸ گ ۹۰۸ ع ۵۵۵۲۹۹۲ J A
رده بندی دیویی	: ۱۱۲/۷۱۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۳۲۴۹۳



نام کتاب	هنگامه‌ی نیستی
مولف	نسرین گبانچی
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۹۵۵-۱-۷
چاپ	اول/ ۱۳۹۱
شمارگان	۱۰۰۰
قیمت	۳۵۰۰۰ ریال
حروفچین	نشر هرموتیک

نشانی دفتر نشر: خوزستان، آبادان، سرویس قنواتی، ۲۰ متری، دست راست بن بست اول، پلاک ۳۱
تلفکس ۰۶۳۱-۴۴۲۴۶۱۹
همراه ناشر: ۰۹۱۶۳۳۱۶۱۵۸

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۵

فصل اول

ساختارهای زبانی مجموعه شعر «عندما أموت».

۱- سطح آوایی.....	۹
الف- موسیقی بیرونی.....	۹
ب- موسیقی درونی.....	۱۳
۲- سطح لغوی.....	۱۹
الف- بهنجاری یا هنجارگریزی واژگان.....	۱۹
ب- کهن‌گرایی یا نوگرایی.....	۲۰
گزارش‌های فصل اول.....	۲۳

فصل دوم

ساختارهای فکری مجموعه شعر «عندما أموت»

۱- مرگ اندیشی.....	۲۹
۲- یأس و ناامیدی.....	۳۲
الف- پوچی.....	۳۴
ب- بی‌زمانی.....	۴۰
۳- تغزل و مضامین عاشقانه.....	۴۳
۴- شعر پایداری و رهایی.....	۴۸
۵- رویکردهای انسانی و اجتماعی شاعر.....	۵۳
الف- واکاوی مفاهیم انسانی و شخصی.....	۵۳
ب- واکاوی مفاهیم اجتماعی.....	۶۰
۶- اسطوره و کهن‌الگوهای جمعی.....	۶۳
الف- خویشتن.....	۶۴
ب- سایه.....	۶۶
پ- آنیما.....	۶۷
ت- ولادت مجدد.....	۶۹

۷۰	ث- مار.....
۷۱	ج- قهرمان.....
۷۴	ج- منجی.....
۷۶	ح- رنگ.....
۷۸	گزارش‌های فصل دوم.....

فصل سوم

ایماژها و تصویرسازی‌های مجموعه شعر «عندما أموت»

۸۱	۱- تشبیه.....
۸۵	۲- استعاره‌ها و نمادها.....
۸۹	۳- تشخیص.....

فصل چهارم

جمال نصاری و شاعران

۹۱	۱- محمود درویش.....
۹۳	۲- نزار قبانی.....
۹۵	۳- سهراب سپهری.....
۹۷	پیوست: مصاحبه با جمال نصاری.....
۱۰۴	فهرست منابع.....

مقدمه

جمال نصاری از شاعران توپردازی است که توانسته آشکارا به بیان درونیات و اوضاع انسان‌ها و روزگار خویش در قالب «قصیده‌ی نثری» بپردازد. در دو مجموعه‌ی «أنا و مریم» و «أنا و ذاتی» شاعر به بیان والاترین احساسات عاشقانه و انسان‌گرایانه پرداخته است. پیش از واکاوی مجموعه‌ی «عندما أموت»، به شرح این دو مجموعه می‌پردازم تا خوانندگان با شمه‌ای از سبک و شیوه‌ی سرایش این شاعر آشنا گردند.

«أنا و مریم» مجموعه‌ای جسدگرا و احساسی است که تأملات شاعر را تنها بر پایه‌ی عشق به دیگری و ممنوعیتی که جهان سوم و اطرافیان برای فرد دلداده ساخته‌اند، نمایان کرده است. عشقی که به نظر دیگران ناپاک و شهوانی است، چنان که خود شاعر این‌گونه به بیان این امر پرداخته است:

كلما ناديتها من بين عناوين الصّحف

و سطور المجلاتِ

أهمني بأني غريزي جنسوي

يهتم بالشّهوات!!!

(نصاری، بی‌تا: ۴۵)

این مجموعه سرشار از احساسات ناب و عاشقانه‌ی شاعر است که در آن تلاش کرده تا زن و جایگاهش را در اجتماع از قید و بندهای مادی آزاد سازد. در واقع شاعر عشق به موجودی برتر را «در جامه‌ی «مریم» که نمادی از تمام زنان آزاده‌ی جهان می‌باشد، نشان داده است. به نظر شاعر، اشعارش از دیدگاه جامعه، گناه به شمار می‌آیند؛ زیرا در آن‌ها، در پی آزادی اندیشه‌ی زنان از ستم‌دیدی گام برمی‌دارد:

ذنبها

إنها عشقت اشعاري و كياني

مریم

سيصلهم التاريخ يوماً

كما صلبوا افراحنا على مدى الایلام

(همان: ۴۴)

اوج تفکر شعری شاعر در «أنا و ذاتی» شکوفا شده است که از جسم و جسمانیت رهایی یافته و به کل وجود خود و دیگری اهمیت می‌دهد:

أنا

رمح القاتل

في الأدب المقاتل

(نصاری، ۱۳۸۷: ۳۳)

این مجموعه دربردارنده‌ی برترین احساس شعری است که شاعر با چیرگی خاص خود با زیباترین و دلکش‌ترین بیان سروده است. وی در این مجموعه در پی یافتن وجود نهفته‌ی خویش در میان سطرهای نانوخته است؛ وجودی که سرشار از لطافت ذوق و احساس است و با عشق به دیگری به شکوفایی، کمال و گاهی طغیان احساساتی نام‌ناپذیر می‌رسد:

إفتحي لي قلبك

کي اتشبت فيه

أنا مطرود الزمان

یهزمني الشعر

یصرعني النثر

لا اجد مفراً

«أنا ولد الكلمات البسيطة»

أنت أمّ الفصاحة و البلاغة

(همان: ۱۷)

شاعر در این مجموعه با پیش‌درآمد یا براعت استهلالی در همان صفحات آغازین، خبر از مرگ در مجموعه پسین؛ یعنی در مجموعه‌ی «عندما أموت» می‌دهد:

عندما تكتب تموت

و عندما لم تكتب تموت

فالأفضل أن تكتب و تموت

در مجموعه‌ی «عندما أموت» دیگر، نه صحبت از خود شاعر و نه صحبت از ذات اوست، بلکه سخن از فنای وجودی شاعر، اضمحلال جامعه و ناامیدی و یأس شاعر از همگان است حتی از خودش؛ بنابراین به سوی مرگ و نیستی گام برمی‌دارد و مجموعه شعرش را این‌گونه آغاز می‌کند:

عندما أموت

أكتب على قبري

رجل مجهول إمتلك مشاعري

و حلق في اللامجهول

(نصاری، ۱۳۹۰: ۹)